

شتر دیدی ندیدی!! / پژمانی ها عصبا نی می شوند

این ضرب المثل معروف را حتما شنیده اید: "شتر دیدی ندیدی"!!!
ضرب المثل دیگری هم است که می گوید: "هر چی دیدی هیچ چی نگو من هم دیدم هیچ چی نمی گویم".

این ضرب المثل ها داستانی دارند که شنیدنش خالی از لطف نمی تواند باشد:

شیخ سعدی از راهی می گذشت. رد پای شتری را دید که عبور کرده و یک طرف راه مگس و طرف دیگر پشه می برد. با خود گفت بار شتر یک طرف سرکه بوده و طرف دیگر شیره، مگس با شیره سر و کار دارد و پشه با سرکه.

رفت تا رسید به جایی که دید پشکل شتر یک جا جمع شده ، با خود گفت :یقین این جا شتر خوابیده بوده . بعد آثار پیاده شدن مسافر را که در کنار راه ادرار کرده بود ، دید و از محل ادرار تشخیص داد که مسافر زنی بوده و بعد پنجه های دست مسافر را دید که بر زمین تکیه داده و بلند شده و با خود گفت :معلوم است مسافر زن و آبستن هم بوده است.(زن آبستن در حال بلند شدن با دست به جایی تکیه می کند).

مقداری که رفت از آن طرف یک نفر شتربان رسید و پرسید: درویش از این راه که آمدی شتر دیدی؟

شیخ گفت: بارش یک طرف سرکه و یک طرف شیره بوده؟

شتربان گفت: بله

دوباره گفت: مسافر زن آبستنی بود؟

شتربان گفت: بله

پرسید: کجا رفت؟

شیخ سعدی گفت: ندیدم کجا رفت.

شتربان شیخ را زیر چوب گرفت . کتکش می زد و می گفت : تو شترم را به خاطر مسافر زن طمع کردی. شیخ سعدی زیر چوب ناله می کرد و می گفت:

سعدیا چند خوری چوب شتربانان را

می توان قطع نظر کرد شتر دیدی؟ نه

این داستان شده است شرح حال ما که گفتیم در سطح استان اردبیل فردی به نام پژمان نهاوندی وجود خارجی ندارد. حال آنهایی که به نحوی با این پژمان قلابی در ارتباط بوده اند ما را زیر حملات گسترده و همه جانبه خود گرفته اند که مجبورمان بکنند تا بگوییم

پژمان دیدیم، ندیدیم!!!!

برادران عزیزی که از پژمان نهاوندی حمایت می کنید و معتقدید که نباید در این ارتباط جز یک بار چیزی می گفتیم و پیگیری می کردیم چرا عصبانی هستید؟ اعتراف به اشتباه نشانی از بزرگواری، شهامت و شجاعت افراد است. به جای این که ما را زیر شدیدترین حملات قرار بدهید و در مواقعی حکم به شکستن قلم ما صادر نمایید بهتر است به قلبی بون آن اعتراف کنید و از جامعه ورزش به خاطر پرورش چنین افراد خیالی عذرخواهی کنید.

حملات شما را به جان می خریم و بخصوص حملاتی که از جانب دوستان و پهلوانان انجام می پذیرد ولی دست کشیدن از این قضیه بدون روشن شدن چهره برخی ها دور از انصاف و مروت نیست؟

حرف و عمل ما باید با یکدیگر هماهنگی داشته باشند. نمی توان از یک طرف از رسالت مطبوعاتی سخن بگوئیم و در تحقق آن مدعی باشیم و در مقابل کسانی را که در این راه گام بردارند زیر شدیدترین و ناجوانمردانه ترین حملات قرار بدهیم.

ظهور یک چهره قلبی در ورزش و میدان داری وی را عملی جایز و روا قلمداد بکنیم و پرداختن به آن و افشاگری در مورد چند چهره ها به صلاح ورزش ندانیم ولی برخورد یک مدیر و یک کارمند را لایق طرح چندین و چند باره بدانیم. اشاره به رفتارها و حرکات پژمان نهاوندی ها را شایسته شکسته شدن قلم بدانیم و به آن حکم صادر بکنیم. اگر قلمی که می خواهد معضلی به نام نهاوندی را معرفی بکند باید بشکند پس حکم در مورد قلم هایی که با صد هزار تومان به هر طرف غش می کنند چه باید باشد؟ قلم هایی که با تهدید به درآمدزایی پرداخته و آن را وسیله ای برای کسب درآمد بیشتر می دانند با چه حکمی باید مواجه شوند؟

این صلاحیت از جانب کدام مرجعی به ما محول شده است که به راحتی به شکسته شدن قلم هایی که بر اساس خواسته ما بر روی کاغذ نمی چرخند حکم صادر می نمایم؟

ما را کاری به مهندس ها و حاج آقاها نیست. کار ما با فوتبال و ورزش است و این که عزیزان در این اندیشه باشند که با مطالب مختلف از کانال های متنوع بخواهند پرده بر روی واقعیتی به نام جعلی بودن پژمان نهاوندی بکشند اشتباه فکر می کنند. نمونه هایی از پیام های نهاوندی به افراد در مقاطع زمانی مختلف همراه با شماره تلفن های رنگارنگ وی در دست است که به زودی در اختیار افکار عمومی قرار خواهد گرفت.